

پیش‌خوان

«انقلاب اسلامی در ایلام» در آئینه یک اثر نوانتشار

شهری که قبل از سایر نقاط کشور به پیروزی رسید!

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به کاوش بی‌امون و قایع انقلاب اسلامی در شهر ایلام پرداخته است. این پژوهش توسط دکتر سیدمحمد طاهری مقدم انجام شده و

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. در تازنمای ناشر، در باب موضوع این تحقیق، اشاراتی به ترتیب بی‌آمده است: «تخستین اقدامات مردم ایلام در همراهی با نهضت اسلامی، در اوایل دهه ۱۳۴۰ و پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و سپس تبعید امام‌خمینی(ره) شکل گرفت. به‌دنبال تبعید امام در سال ۱۳۴۳ و با تلاش‌های علما و فقهای برجسته این منطقه، مردم ایلام با اندیشه‌های امام و رسالت ایشان در مبارزه با رژیم شاهنشاهی آشنا شدند. تبعید امام به عراق و سکونت ایشان در نجف اشرف و نزدیکی و ارتباط آن شهر با ایلام عاملی بود که مردم این خطه را با انقلاب و امام مانوس تر کرد. لذا ساواک کار ویژه‌ای را برای کنترل منطقه و رصد نواحی مرزی طراحی کرد. با آغاز دهه ۱۳۵۰، انقلاب اسلامی در ایلام با رهبری علما و روحانیون وارد مرحله جدیدی شد و با فعالیت علمای چون: آیت‌الله محمدتقی مروراید، حجج الاسلام جهانبخش، (محمد) تعمیرکاری، عبدالرحمان حیدری، عباس سلطانی شم‌آبادی و محمدتقی لطفی و افزایش آگاهی مردم، تعداد بیشتری از مردم به جریان انقلاب پیوستند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶، به‌واسطه شدت مبارزات مردم ایلام علیه رژیم در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، ساواک و نیز و‌های نظامی توان مقابله با مردم را نداشتند و بارها از مرکز و استان‌های همجوار درخواست نیروی کمکی



نمایی از راهپیمای عظیم زنان

در شهر ایلام در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

کردند. ثانوایی نیرو و‌های رژیم باعث شد، تا بسیاری از افراد در تبط با ساواک و شهرپای قبل از پیروزی نهایی انقلاب اسلامی از ایلام فرار کنند و انقلاب اسلامی در ایلام، عملاً قبل از سایر نقاط کشور به پیروزی رسید…»
«انقلاب اسلامی در ایلام» در یکی از فصول خویش، تظاهرات گسترده زنان ایلامی در مخالفت با رژیم پهلوی را به ترتیب تبیین آورده روایت و مستند ساخته است. «در ادامه مخالفت‌های مردم ایلام علیه رژیم پهلوی، در ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر روز ۱۱ مهر ماه ۱۳۵۷، گروهی از زنان و دانش‌آموزان دختر تظاهرات زنان انقلابی ایلام علیه تظاهرات زدند. مدارس ایلام، با پوشیدن چادر و رعایت حجاب اسلامی، در این سرشدست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان ضمن سردان شعارهای ضدولنتی مردم را به پشتیبانی و پیوستن به انقلابیون دعوت می کردند. این تظاهرات خیابانی را می توان اولین تظاهرات زنان انقلابی ایلام علیه رژیم پهلوی به صورت گسترده و منسجم دانست. زیرا اگرچه تا فعالت می کردند و حتی در راهپیمایی‌ها شرکت می کردند، ولی در این زمان این زنان بودند که محوریت راهپیمایی را برعهده گرفتند. تظاهرات دانش آموزان دختر در تاریخ هفدهم مهرماه نیز در ایلام ادامه یافت. روزنامه اطلاعات در خبررسانی خود در این باره، به این موضوع اشاره می کند: صبح و بعد ازظهر دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی دخترانه ماندانا که همگی چادر و روبند به سر و چهره داشتند در خیابان خیام این شهر به راه افتادند و با دادن شعار در مسیر خیابان‌های خیام و عبداللهی راهپیمایی کردند این تظاهرات تا ظهر ادامه داشت و بدون دخالت پلیس پایان یافت. آنها ساعت سه بعدازظهر در محوطه مدرسه راهنمایی تحصیلی ماندانا اجتماع کرده بودند، هنگام بیرون آمدن به خیابان مأمورین پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور آنها را متفرق کردند…»

■ **دکتر مجتبی سلطانی***

مقال بی‌آمده درصدد است، تا علت اللعل بن‌بست ۴۴ ساله معاندان داخلی و خارجی نظام اسلامی را به تشریح نشیند، که همانا ثانوایی از ارائه الگوی بدیل برای مردم‌سالاری دینی است. امید آنکه علاقمندان را مفید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ **فد انقلاب، در جنبه انسداد ذهنی و عملی**

یک مشکل اساسی دشمنان انقلاب و نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران، چه در داخل و چه در خارج، این بوده است که قادر نیستند به لحاظ «نظری و عملی»، هیچ الگوی جذاب چائنشین و بدیل برتری، متناسب با فرهنگ و هویت و تاریخ ملت ایران، ارائه دهند. از حیث نظری، فراتر از «مرد‌سالاری دینی»، منطقاً و عقلاًنظر به سیاسی بهتر و کامل‌تری برای ایرانیان، امکانپذیر نیست. زیرا مردم‌سالاری دینی، همه مزایا و مواهب و امتیازات ادعایی و مفروض دموکراسی را دارد، ولی چون با فطرت و آیین و شریعت الهی پیوند می‌خورد، غنا و ثراق و تکامل می‌یابد. بنابراین در مقایسه با همه مکاتب و تئوری‌های بشری موجود، عالی‌ترین الگوی نظری برای نظام سیاسی یک ملت موحد و متدین و متعالی، نظام مردم‌سالاری دینی است. در عرصه اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی، همه

جریان‌های ضد انقلاب و نیروهای موسوم به اپوزسیون، دچار بحران و انسداد ذهنی و فکری هستند نمی‌توانند حتی یک پله بالاتر از این نظر به و الگوی متکامل، پیش بروند و ادعا و داعیه‌ای نداشتند باشند. بنبه تئوریک انواع سلطنت و جمهوری‌های سکولار، سال‌هاست که در دنیا زده شده، و نقایص و عیوب و اشکالات و مشکلات اساسی لاینحل آنها در ده‌ها کتاب و صد‌ها مقاله خارجی و داخلی، آشکار و عیان گردیده است. به‌ویژه معقل ذاتی حاکمیت الیگارشیک سرمایه‌الاران مسلط بر احزاب و رسانه‌ها، مشکل بنیادین تسلوی قانون با منافع اقلیت و الیت حاکم و آسیب اساسی سلطه مبتنی بر تزویر و تحمیق اکثریت مردم در پوشش دروغین آزادی و حقوق بشر، تا آنجا که آخرین گریزگاه و دفاعیه دموکراسی‌خواهان سکولار، چنین بوده که: دموکراسی، شز کمتر است، شیطان کوچکتر است، سلطه‌گری مزین به زینت رای و مقبول طبع عوام است، مولود حاکمیت کاپیتالیست، حاصل جبر تجارب تاریخ خود آلود غرب و نامطلوب مقدر در برابر مطلوب نامقدور است. در بیان اندیشه‌های بشری غرب، دموکراسی و انواع‌به‌ویژه لیبرال دموکراسی، به لنگه کفش باره و نعمتی بی‌دیل شد که در حد حاکمیت محتوم سرمایه‌سالاری فاسد و زورمدار غربی، تنها روزنه اندک تنفس و کوره راه کاستن از آسیب‌ها و رنج‌های بشر غربی و غرب‌گرا، محسوب می‌شود. نظریه‌های ناقص و نارسا و ناتمام که ضعف‌ها و نقص‌ها و عیب‌هایش، اجتناب‌ناپذیر و ناگزیر، تلقی و پذیرفته شده‌اند.

اما در نظریه مردم‌سالاری دینی، ار مغنا انقلاب اسلامی ایران، محتوای دینی در قالب مردم‌سالاری، رافع کاستی‌ها و اشکالات و عیوب دموکراسی سکولار سرمایه‌سالار می‌شود.بدین‌سان نزدیک‌ترین الگوی ممکن به نظام الهی «ولایت و امامت» برای انسان معاصر ارائه شده است. تقرب به آرمان‌های اساسی انسان‌ها برای تحقق آزادی و عدالت و اخلاق و معنویت، در مردم‌سالاری غنی‌سازی شده با دین و شریعت، به قدر مقدور و سعی میسور بشری، دست‌یافتنی و امکانپذیر شده‌اند. جنگ ارمان و واقعیت به واقع‌گرایی آرمان‌خواهانه و عملی تبدیل شده و آزوی آزادی و تمنای عدالت در هزار توی حاکمیت سرمایه‌به نام دموکراسی، به مسلخ کشانده نمی‌شود. از لحاظ عملی هم،نظام جمهوری اسلامی ایران، با همه چالش‌ها و مشکلات و ضعف‌هایش، به اتکای دستاوردها و توانایی‌های و پیشرفت‌هایش و به‌رغم افت و خیزها و ناگامی‌ها و کامیابی‌هایش، و با وجود انواع

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۳۲۷



حیرت‌زدگان نادم اصلاح‌طلب، دو سر باختگان جنگ ترکیبی

وانفسای افسردگی ضد انقلاب

پس از برگریزان پاییز ۱۴۰۱

■ **نمایش جنبش، ادای انقلاب و بز اپوزسیون!**

در تجربه زیسته نیز، هیچیک از جریان‌های مخالف و معاند نظام، قادر نیستند «عملاً» راهی روشن و کم‌هزینه و شرافتمندانه به سوی اصلاح و صلاح ایران بکشایند، که از مسیر کارگردانی بیگانگان و آشوب و اغتشاش و ترور و تخریب وطن نگذرد و به جهنم دنیا و آخرت رهنمون نشود حتی در حد نمایش جنبش و ادای انقلاب و بز اپوزسیون، عاجزند که بگویند و بنمایانند، که ما یک رهبر با کفایت و لایق، یا کادر فکری و سیاسی توانمند، شورای انقلاب وجود و رفاه و پیشرفت و تمدن و مقبولی را داریم، یا آمان‌ها و اهدافمان، متمایز و فراتر از برنامه مطلوب قانون اساسی و کارنامه مقدور نظام کنونی است. فرداروز موهومی که کار جمهوری‌اسلامی تمام شد، ما با این طرح و تیم و تشکل و تدبیر، خواهیم آمد و البته، از تبار ترور و تجزیه و تخریب و وطن‌نمی‌شود و نمی‌توان طرح و عمل معقول و موجه، انتظار داشت. تزوریست‌های سلطنت‌طلب و تجزیه‌طلب و خشونت‌طلب، اشرا مناق و پهلوی‌چی و کومه‌و دمکرات، و بقیه جماعت عاقل و باطل و علافان آخرت رهنمون نشود، بر فحاشی به بگذرند و گیس و گیس کشی همدیگر بر سر قدرت و حکومت‌وهمی آینده، به جریان اپوزسیون مدعی در داخل نیز ایگونه فحش می‌دهند که: شما خودتان و جزو مجرمان قبلی نظام هستید و باید حساب اعمال و مناصب گذشته را پس دهید! شما دروغگو، چندچهره، هر فرصت‌طلب و دنبال منافع شخصی خودتان هستید، هر زمان منافعتان اقتضا کند، حتی همین الان هم، مجدداً طرفدار و جیره‌خوار نظام جمهوری اسلامی می‌شوید. همیشه فقط دنبال منفعت و امتیاز جدید هستید و براین طرفی نمی‌کنند که جیره و مواجب از کجا برسند. همچنین خطاب به متوهمان داخل نشین می‌گویند: اگر قرار بود، ما بر علیه ایران و انگلیس و اسرائیل، می‌خواستند سقوط نظام را مطرح نمی‌کردیم! مگر مغز خود را داریم که به جای اصل سکولار‌های غریب‌ساخته، جنس نذلی بر ساخته و فرخسته از بریدگان دین و نظام و اصلاح‌طلبان سکولار فرصت‌طلب را ترجیح دهیم. وقتی کسی می‌گوید مرگ بر جمهوری اسلامی، حامیان سابق و لاحق، همه را درهم می‌سویا و جدا نمی‌کنیم! مدعیان موسوم به اصلاح‌طلبی و تجدید نظر طلبی و اهل حیرت و حسرت و ندامت، باید به فرجه‌شده از افق‌باز رانت و امکانات قبلی همین نظام هم، بر این منوال نواله‌خوران خارج‌جه به صدر و ذیل حکمات برترانان سه‌آئینه‌راه چندانی ندارند. نهایتاً در حد کاتلیزور و تسهیل‌کننده و دستمال یکبار مصرف، ممکن است و پذیرنده شریک غرب بود و الگوی گورباچئی و آیند. به انکار و اصرار شوم‌ن‌ها و غوغایی‌ها و زؤاخ‌های اپوزسیون خارج‌نشین که خود را در مقام مقسّم غنایم خیالی آینده موهوم نشانده‌اند، حتی اگر نمک‌خوردگان نمکدان شکسته داخل نشین در اثبات کفر خویش به انقلاب و عناد بانظام، خودکشی کنند و کاسه دافتر از آش کیده‌های طراری‌شان، تهی و خالی خواهد ماند.

■ **شکست اولین جنگ جهانی پسامدرن در فضای مجازی!**

پس در این شرایط وانفسای افسردگی ضد انقلابیون بعد از برگریزان پاییز ۱۴۰۱، که کارفرمایان امریکایی و انگلیسی و اسرائیلی آنان به هزیمت و شکست خویش در مواجهه با ملت ایران اذعان و اقرار کرده‌اند، بر اپوزسیون در مانده و وامانده، و حیرت‌خزجی نیست که با اطوار ایدئولوژیک و ژست‌الترناتیوسازی، نتوانستند به بنیان‌های سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی، حتی اندکی ضربه و صدمه اساسی و جبران‌ناپذیر وارد سازند. گفتمان متفق جمهوری اسلامی، نهایت و غایت تحول مطلوب و ممکن مردم ایران را در غیاب امامت معصوم(ع)، نظر تقریر و تبیین کرده، و در عمده اول ۴۴ سال گذشته از آزمون‌های

د در شرایط وانفسای افسردگی ضد انقلابیون بعد از برگریزان پاییز ۱۴۰۱ که کارفرمایان امریکایی و انگلیسی و اسراییلی آنان به هزیمت و شکست خویش در مواجهه با ملت ایران اذعان و اقرار کرده‌اند، بر اپوز یسیون در مانده و وامانده، د یگر خزجی نیست که با اطوار ایدئولوژیک و ژست آلترناتیوسازی، نتوانستند به بنیان‌های سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی، حتی اندکی ضربه و صدمه اساسی و جبران‌ناپذیر وارد سازند. گفتمان متفق جمهوری اسلامی، عملاً طی ۴۴ سسال گذشته از آزمون‌های خطیر و خطرناک بی‌شماری، سربلند بیرون آمده و دستاوردهایی شگرف احراز کرده است

خطیر و خطرناک بی‌شماری، سربلند بیرون آمده و دور بوده و محلی از اعراب نداشته و نخواهد داشت. این کرده است. البته در تحقق بسیاری از اهداف آن، هنوز راه بسیار طولانی و مسیر دشواری در پیش است. اما این واقعیتی مستند و مستدل و مستحکم است، که «نظریه مردم‌سالاری دینی» در عرصه تقریر، تدوین، تبیین و تقویت مبانی اعتقادی و استدلالی و فلسفی، به بلوغ و انسجام نظری و قوام‌یابنده و پاینده معرفی رسیده است. و به اتکای گام‌های عملی و پیشرفت‌های گسترده و متنوع و متعدد، نظام محقق نیز روز به روز استحکام درونی‌اش بیشتر شده و با عبور از بحران‌ها و مواقع دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، آبدیده و مقاوم‌تر و قوی‌تر شده است. پس، دشمنان ایران با نظامی روبه‌رو هستند که به لحاظ تزویر، خلل و منفذ و نقص نظری آسیب‌پذیر ندارد و به لحاظ عملی هم، دائماً در حال تحول و آفت‌زبای و قدرتمندتر شدن است. اگر ۲۰سال، یا ۳۰سال، یا ۲۰سال پیش، حتی فرصتی احتمالی و شانسی واقعی برای اسقاط نظام وجود داشت، الان بعد از ۴۴ سال و در عرصه عملی، و شرافتمندانه به سوی اصلاح و صلاح ایران بکشایند، که از مسیر کارگردانی بیگانگان و آشوب و اغتشاش و ترور و تخریب وطن نگذرد و به جهنم دنیا و آخرت رهنمون نشود حتی در حد نمایش جنبش و ادای انقلاب و بز اپوزسیون، عاجزند که بگویند و بنمایانند، که ما یک رهبر با کفایت و لایق، یا کادر فکری و سیاسی توانمند، شورای انقلاب وجود و رفاه و پیشرفت و تمدن و مقبولی را داریم، یا آمان‌ها و اهدافمان، متمایز و فراتر از برنامه مطلوب قانون اساسی و کارنامه مقدور نظام کنونی است. فرداروز موهومی که کار جمهوری‌اسلامی تمام شد، ما با این طرح و تیم و تشکل و تدبیر، خواهیم آمد و البته، از تبار ترور و تجزیه و تخریب و وطن‌نمی‌شود و نمی‌توان طرح و عمل معقول و موجه، انتظار داشت. تزوریست‌های سلطنت‌طلب و تجزیه‌طلب و خشونت‌طلب، اشرا مناق و پهلوی‌چی و کومه‌و دمکرات، و بقیه جماعت عاقل و باطل و علافان آخرت رهنمون نشود، بر فحاشی به بگذرند و گیس و گیس کشی همدیگر بر سر قدرت و حکومت‌وهمی آینده، به جریان اپوزسیون مدعی در داخل نیز ایگونه فحش می‌دهند که: شما خودتان و جزو مجرمان قبلی نظام هستید و باید حساب اعمال و مناصب گذشته را پس دهید! شما دروغگو، چندچهره، هر فرصت‌طلب و دنبال منافع شخصی خودتان هستید، هر زمان منافعتان اقتضا کند، حتی همین الان هم، مجدداً طرفدار و جیره‌خوار نظام جمهوری اسلامی می‌شوید. همیشه فقط دنبال منفعت و امتیاز جدید هستید و براین طرفی نمی‌کنند که جیره و مواجب از کجا برسند. همچنین خطاب به متوهمان داخل نشین می‌گویند: اگر قرار بود، ما بر علیه ایران و انگلیس و اسرائیل، می‌خواستند سقوط نظام را مطرح نمی‌کردیم! مگر مغز خود را داریم که به جای اصل سکولار‌های غریب‌ساخته، جنس نذلی بر ساخته و فرخسته از بریدگان دین و نظام و اصلاح‌طلبان سکولار فرصت‌طلب را ترجیح دهیم. وقتی کسی می‌گوید مرگ بر جمهوری اسلامی، حامیان سابق و لاحق، همه را درهم می‌سویا و جدا نمی‌کنیم! مدعیان موسوم به اصلاح‌طلبی و تجدید نظر طلبی و اهل حیرت و حسرت و ندامت، باید به فرجه‌شده از افق‌باز رانت و امکانات قبلی همین نظام هم، بر این منوال نواله‌خوران خارج‌جه به صدر و ذیل حکمات برترانان سه‌آئینه‌راه چندانی ندارند. نهایتاً در حد کاتلیزور و تسهیل‌کننده و دستمال یکبار مصرف، ممکن است و پذیرنده شریک غرب بود و الگوی گورباچئی و آیند. به انکار و اصرار شوم‌ن‌ها و غوغایی‌ها و زؤاخ‌های اپوزسیون خارج‌نشین که خود را در مقام مقسّم غنایم خیالی آینده موهوم نشانده‌اند، حتی اگر نمک‌خوردگان نمکدان شکسته داخل نشین در اثبات کفر خویش به انقلاب و عناد بانظام، خودکشی کنند و کاسه دافتر از آش کیده‌های طراری‌شان، تهی و خالی خواهد ماند.

■ **آمریکا پس از ۴۴سال توانست…**

ناگفته پیداست که روسیه کنونی به مراتب، کوچکتر و ناتوان‌تر از «امریکا» بی‌است، که ۴۴ سال کوشید و تریلیون‌ها دلار هزینه کرد اما توانست بر نظام انقلابی ایران سلطه و سیطره پیدا کند. چین هم به‌رغم قدرت اقتصادی جهانگیرش، از لحاظ تاریخی و ژئوپلیتیک، اساساً از دایره طمع و امکان خدشه به استقلال ایران دور بوده و محلی از اعراب نداشته و نخواهد داشت. این واقعیت غیر قابل انکاری است که ملت ایران با هویت اسلامی و انقلابی خود، در روابط با همه قدرت‌های جهان، فقط منافع ملی‌اش را جلب و جذب و هضم می‌کند. انقلاب اسلامی از آغاز پیدایش خود، داعیه هویت و گفتمان نوین در مقابل همه شرق و غرب، از جمله چین و روسیه داشته است. مضحک است که کسی مدعی شود، ایران مقتدر کنونی، پس از ۴۴سال تحکیم استقلال و توان ملی، در مدار چین و روسیه قرار گرفته و مقهور این دو کشور شده است. بلکه در شرایط پیچیده جهان کنونی، این روسیه و چین هستند که به خاطر منافع اقتصادی و استراتژیک خود، به ایران، یعنی قدرت برتر خلیج فارس تا دریای مدیترانه، بیشتر نیازمند شده‌اند. البته طبعاً ایران هم مانند روابط با بقیه کشورها، نیاز متقابل متعارف دارد. اما جمهوری اسلامی هیچ وقت به خاطر «نیاز و احتیاج»، استقلال و اصول و مبانی و عزت خود را زیر پا نگذاشته است. ایران اگر می‌خواست از اصول و اقتدار خود صرف‌نظر کند، و رفغ نیاز را بر اصالت و کرامت و شرافت خود ترجیح دهد، در برابر امریکا و ناتو، عقب نشینی می‌کرد. اما نظامی وارد می‌یابد. برخی از دشمنانش خود را پیش برده و در این مسیر، باطبع و تبعیت خودشان با دشمنی وارد می‌یابد. برخی از دشمنانش شکست می‌خورند و به مرور، تبدیل به بی‌طرف و بعضاً دوست می‌شوند. بعضی از دوستانش هم گاهی تبدیل به بی‌طرف، یا رقیب و بعضاً افتاده در دام دشمن شده، تا تاکتیکی و ناگهانی از دام می‌مانند. بنابراین در این رابطه مستمر و متغیر دوستی و دشمنی سیاسی در عرصه جهانی، نظام مستقل مردمی ایران همواره کوشیده بر مبنای ارزش‌ها، منافع، اقتضات، مقدرات و شرایط، رابطه خود را تنظیم کند. در حدود و ثغور دایره مشخص «هویت و منافع و امنیت ملی ایران»، البته که در کنار کامیابی‌ها و موفقیت‌های بزرگ سیاست خارجی، برخی دولت‌های پیشین اشتباهات خود را تا تاکتیکی و ناگهانی‌های هم داشته‌اند. اما مسیر خدشه به استقلال و اقتدار ملی همواره مسدود بوده و مآلاً زیاده‌خواهی‌ها و فشارهای دشمنان، راه به جایی نبرده است. امروزه هم چون نظام اسلامی در مقابل نظم و پایج‌خواهی و سلطه‌گری غربی‌ها، عقب‌نشینی نکرده و در آستانه بی‌پازگشت قدرت فرارمنطق‌های و استحکام کامل درونی قرار گرفته، در آشوب بی‌حاصل اپوزیان ۱۴۰۱، دشمنان با تمام قوا تلاش کردند که ملت ایران را از رابطه با متحدان ایلامی اپوزیسیون داخل کشور که تلقی و تصور و ادعا می‌کنند جمهوری اسلامی به انحراف رفته، برای مقابله با این انحراف کذایی، مقنن سیه‌بازی پاییز پدرسالاران اپوزیسیون خارج، عملاً سست‌ها و دامن امریکا و متحدانش شده‌اند. اینان برای داعیه و دعوی اصلاح، منحرف و متمایل به همان دشمنان تاریخی ایران شده‌اند که اساس انقلاب ایرانیان برای مقابله با سلطه آنان شکل گرفت. یعنی به این سیر و سبقت‌ها، اما حلقه مقابله با انحراف در نظام، رفتن به افق‌باز غلغیندر دام و دامن انگلیس، امریکا و مهم‌نوسم است. مدعیان شکست‌خورده در قوت «اصلاح‌طلبی امریکایی»، هم به لحاظ نظر به‌های کلان فکری و هم به لحاظ تاریخی و تجربه عملی و در قبال توان و قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی، سخن جدید و مفید و معقولی برای گفتن ندارند. اما قدرت رسانه و فضای مجازی، ادعاهای صغیر و حقیر و دعاوی گراف تحول‌خواهی غرب‌پسند و دشمن‌شادکن را براساس ترغند تکرار، چسان بزرگ‌نمایی کرده که در ذهن برخی مخاطبان، بسا فرصت و مجال تسلط یابند. امکان دار دخاطب کم‌اطلاع یا ناآگاه هم، وقتاً تحت تاثیر و فریب قرار گیرد. اما چونان گذشته، در راه‌همه، این توانمندی و اقتدار ملی نظام جمهوری اسلامی است که در عمل بر همه این توهمات غالب شده و می‌شود. بخشی از پیام و سخنان نوروزی و رضانی رهبر فخریه‌خیز، حاوی این تبیین واقع‌بینانه بود که دشمنان ملت ایران در مقابل قدرت و اراده نظام ملت‌بنیاد جمهوری اسلامی، مستظهر به عنایات اهل حکومت خورده‌اند و مسیر رفغ عیوب و ضعف‌ها و حلقه شکست و اشکالات و اصلاح امور و برنامه‌ها و «تحول انقلابی» در کشور، تداوم و تعالی و تصاعد خواهد یافت. بنه کر مه.

■ **بز و هوشنگ علوم نویسنده کتاب «خط‌ساز»**

۹ جوان

کنونی اهل اندکی سازش و تسلیم و وابستگی بود که به مدار وابستگی همان امریکا و اروپای محبوب اپوزسیون بازمی‌گشت، باسابقه مشعشع دوران قاجار و پهلوی. کدام ناظر منصف و واقع‌بین در دنیاست که نداند رابطه راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران با دو دولت قدرتمند روسیه و چین، در اوج استقلال سیاسی و اقتدار نظامی و ژئوپولیتیک ایران، براساس منافع و امنیت ملی، عزت و حکمت و مصلحت شکل گرفته است. اما ضد انقلاب خارج و مدعیان داخل، این رابطه را مشابه «وابستگی» رژیم کودتایی پهلوی به انگلیس و امریکا نمایانده می‌گویند: نظام، روسوفیل و چینوفیل شده است! البته به زبان بی‌زبانی و بازبانی، مطلوب و مقبول آنان این است که نظام ایران، انگلوفیل و امریکوفیل و صهیونوفیل باشد. ولی چون جمهوری اسلامی مستقل و مقتدر، با همگرایی قدرت‌های آسیایی، عضو مؤثر اتحادیه سازندگان نظام چندقطبی جدید جهانی شده است، باید به کذب و افترا وابسته نامیده شود و در پیشگاه هژمونی رو به زوال امریکا و صهیونیسم، قربانی و براندازی شود.

■ **آمریکا پس از ۴۴سال توانست…**

■ **بز و هوشنگ علوم نویسنده کتاب «خط‌ساز»**